



قاضی و بازی ترجمه با قدرت: به در می گویم، دیوار، تو گوش کن^۱

عرفان رجبی

استادیار و عضو هیات علمی گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه کردستان^۲

تاریخ پذیرش: ۹۲/۵/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۸

چکیده

این مقاله در پی آنست تا ثابت‌ها (استراتژیها) و متغیرهای (تکنیکهای) عمل اجتماعی (social practice) ترجمه‌های محمد قاضی را بررسی کند. بدین منظور از شیوه پژوهشی تاریخگرایی مبتنی بر گفتمان‌های رایج بهره گرفته است. داده‌های تحقیق از مصاحبه‌ها و گفتگوهای مترجم با رسانه‌ها و افراد جمع‌آوری و تلاش شده است تا با تحلیل داده‌ها، موضوعات کلیدی همچون قدرت، ایدئولوژی، استراتژیها و تکنیکهای قاضی و رابطه آنها با یکدیگر در

۱- قاضی این ضرب‌المثل را در با مصاحبه خوزونه دوکاسترو نویسنده ی کتاب *آدمها و خرچنگها* به کار می برد (قانعی فرد ۳۳۰)

2. Email: rajabi.e.sh@gmail.com

طول سالهای فعالیتش تبیین گردد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قاضی عمل اجتماعی ترجمه را بر اساس ایدئولوژی خاص و گونه ادبی خاص و با تکنیکهای همساز با ایدئولوژی مترجم در چارچوب گفتمانهای سیاسی - اجتماعی مشخص به منظور دستیابی به اهداف خاص طراحی کرده است.

کلیدواژه ها: قاضی، استراتژی، بیان غیر مستقیم، ایدئولوژی، سیاست، گفتمان، قدرت

مقدمه

این پژوهش در پی بررسی نقش ترجمه به عنوان بیان غیر مستقیم جهت‌گیریهای ایدئولوژیک مترجم در جامعه‌ی بسته خود باشد. به عبارت دیگر، مترجم، به خاطر «برج سراسربین»^۳ قدرت و اعمال کنترل بر عرصه‌های زندگی و تعبیه ساز و کارهای نظارت و سرکوب، مجبور است که از ترجمه به عنوان بدل برای گریز از نگاه خیره‌ی نظارت قدرت گذر کند و مفاهیم و نظرات خود را در قالب ترجمه بیان کند، چون مترجم در این صورت می‌تواند با فاصله گرفتن از اثر از زیر بار مسئولیت انتساب افکار و عقاید مطرح شده در اثر ترجمه شده شانه خالی کند.

شاید بتوان گفت که در مورد ترجمه‌های محمد قاضی به غیر از تعارفات، بازگویی خاطره‌ها، تعریف و تمجیدها در مجلات عمومی و البته بیشتر توسط کسانی که خود مترجم ادبی هستند و با قاضی و آثار او آشنایی دیرین دارند، کارهای پژوهشی گوناگون جدی در خور شأن و مقام این مترجم نامدار، پُرکار و ادیب خوش ذوق صورت نگرفته است. از میان پژوهش‌های دانشگاهی می‌توان از کار محمدرحیم احمدی که در خصوص بوطیقای ترجمه‌های قاضی در دو فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فرانسه در سال ۱۳۹۱ انجام شده است نام برد. او به جنبه‌های فنی و تکنیکی همچون بکر بودن و خلاقیت کار قاضی و نه جنبه‌های سیاسی و ایدئولوژیک آن می‌پردازد. رشیدی و فرزانه ارزیابی ترجمه‌های شاهزاده و گد/ توسط چهار مترجم، از جمله محمد قاضی، را بر اساس الگوی گارسس و پارامترهایی در چهار سطح متفاوت معنایی - لغوی، نحوی - صرفی، گفتمانی - کارکردی و سبکی - منظورشناختی مطالعه می‌کنند. خزاعی فر و فریدی مساله تک صدایی در دن کیشوت

ترجمه‌ی قاضی را بررسی می‌کنند و نتیجه می‌گیرند که اگرچه ترجمه دن کیشوت یکی از «شاهکارهای ترجمه ادبی در ایران» است ولی قاضی از «سبکی یکنواخت در کل اثر» استفاده کرده است و ترجمه به سوی تک صدایی پیش رفته است و با روح اثر همخوانی ندارد (۳۷). پژوهشی دیگر به بررسی مقابله‌ای یازده ترجمه از *شازده کوچولو* توسط یازده مترجم براساس زبان‌شناسی متن می‌پردازد و توصیه می‌کنند که مترجم بافتار متن مبدأ را با دقت مطالعه کند تا ابهام‌های موجود در متن بر او معلوم گردد (گشمردی و رضانواز ۱۷۹-۱۸۳).

به نظر می‌رسد که جای خالی بحث‌های مربوط به نقش ترجمه در قدرت، سیاست، ایدئولوژی در جوامع بسته‌ی سیاسی در پژوهش‌های انجام شده محسوس است و لازم می‌نماید که بخشی از پژوهش‌های حوزه ترجمه به این گونه مباحث اختصاص داده شود. هدف از این پژوهش بررسی نقش ترجمه در هویت محمد قاضی به عنوان کنشگری اجتماعی که شاید می‌خواست نویسنده شود ولی به ترجمه تن داد.

به منظور مطالعه‌ی رابطه‌ی قاضی با ترجمه، سیاست، قدرت و ایدئولوژی سعی می‌شود تا به بررسی ماهیت سیاسی ترجمه به عنوان امری گفتمانی، وضعیت ترجمه در برابر سانسور و قدرت، ترجمه از نگاه قاضی، گفتمان‌های پیرامونی قاضی در دوره‌ی فعالیت حرفه‌ایش، استراتژی‌های کلان و تکنیک‌های خرد قاضی در راستای جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک وی بپردازد. برای تحقیق در این موارد، تلاش می‌گردد تا از رویکرد تاریخ‌گرایانه‌ی فوکویی و مفاهیم گفتمان، ایدئولوژی استفاده شود.

نفس عمل ترجمه، به تعبیری، با سیاست پیوند دارد. آوارز و ویدل ترجمه را، به طور عام، عملی سیاسی تعریف می‌کنند، چه ترجمه فرهنگ-محور است و «با تولید و خودنمایی قدرت سر و کار دارد» (در شافنر ۱۳۵). آنان معتقدند «انتخاب‌های مترجم از جمله اینکه چه چیزی را ترجمه کند و چگونه آنرا ترجمه کند بوسیله قواعد سیاسی تعیین می‌شود. به این معنا، سیاست رابطه‌ی تنگاتنگی با ایدئولوژی دارد» (همان ۱۳۵). پس مترجم در تعاملش با سیاست، قدرت و ایدئولوژی، خود را و دیگری را نیز تعریف و تحدید می‌کنند.

پیشینه‌ی سانسور در ایران به قرن هفتم میلادی و حمله اعراب به این کشور باز می‌گردد (گرین ۲۸۹). انسداد فضای سیاسی و اجتماعی منجر به بروز دو پدیده‌ی تعریف و تمجید از شاهان، از یک طرف، و سنت شفاهی متکی بر فابل، قصه، تمثیل و استعاره، از طرف دیگر، به عنوان شیوه‌های بدیل بیان نظرات بدون برانگیختن ناخشنودی دستگاه حاکمه

شد (همان ۲۹۰). بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و به دنبال بازگشت شاه به کشور، دولتی پلیسی شکل گرفت که به سرکوب مطبوعات و مناظره های آزاد پرداخت و جو خفقان و ترس تا زمان سقوط رژیم پهلوی اول ادامه داشت (همان ۲۹۰). با « محدود شدن عرصه برای فعالیتهای سیاسی پس از ۲۸ مرداد، روشنفکران به سوی کارهای سیاسی روی آوردند... و به این نتیجه رسیدند که برای اصلاح جامعه باید به کارهای اساسی پرداخت که کارهای فرهنگی است نه فعالیت سیاسی» (امیرفریار ۶۳). در رژیم های اقتدارگرا، بیان غیر مستقیم دریافت ها و موقعیت های ارتباطی خاص ابزار نسبتاً امن و کارآمد برای بقای (living on)^۴ مفاهیم و فریادها و گفته هایی می شود که قدرت تلاش می کند آنها را از حافظه ها پاک کند، چون « غیر مستقیم گویی بیانگر نوعی استراتژی ارتباطی است که به منظور گذر پنهانی معنا از موانع موجود طراحی می شود» (فولمر ۱۹). در فضای خفقان و سرکوب، بیان غیر مستقیم تلاشی است برای خلق "فضا" (فولمر ۲۴) و روزه ای است برای خوانندگان. به تعبیر قاضی ترجمه پنجره ای است رو به دنیا های دیگر. در واقع در جوامع بسته، ترجمه یکی از راه های کنشگری سیاسی است. به باور امیر فریار « داستان ترجمه ادبیات جهان به فارسی داستان شور و تلاش مترجمانی است که بسیاری از آنان با آرمان افزایش آگاهی مردم، اصلاح جامعه و مبارزه با ظلم و استبداد و خرافات دست به این کار زدند. به ویژه از سالهای ۱۳۲۰ به این سو، روشنفکران چپ گرا سهم موثری در کار ترجمه داشتند» (۷۰).

ترجمه از نگاه قاضی

برای محمد قاضی ترجمه نه همچون رابطه ای بین دو فرهنگ همسان بلکه جریان فرهنگی "نامتقارن"^۵ (۸۶) بین دو فرهنگ فرادست و فرودست است که در آن جریان تمدن و پیشرفت یک طرفه بوده و افکار متری از سطح فرهنگ قوی در زبان مبدا به سطح زبان مقصد و سپس فرهنگ ضعیف منتقل می شود. قاضی معتقد بود که از طریق آثاری که ترجمه می کند به افزایش آگاهی و معلومات خوانندگان کمک می کند. در حقیقت ترجمه برای او تبدیل به ابزار مبارزه با قدرت می شود، و ترجمه قرار است نقش براندازانه ای پنهانی در معادلات سیاسی - اجتماعی بازی کند.

۴. عنوان یکی از مقالات ژاک دریدا است.

۵. اصطلاح فوق از مقدمه کتاب بازاندیشی ترجمه نوشته لارنس ونوتی بر گرفته شده است.

قاضی می گوید «من خودم را روزنه یا پنجره‌ای می دانم... به روی باغ فرهنگ و هنر مغرب زمین و مغزم چراغی است در پس این پنجره که آن را روشن داشته است» (من فانوس افروزم). در توضیح مسئولیت خویش می افزاید که «من فانوس افروزم و کارم این بوده است که در دوران عمر کوتاه خود مغزها را با عرضه کردن آثار آزاداندیشان جهان روشن کنم و حقایق زندگی را که آزاد زیستن و آزاد اندیشیدن و عشق به هم‌نوع و محبت و انساندوستی و دموکراسی و کار و کوشش برای بهروزی خود و اجتماع است، به همه ابلاغ کنم.» (من فانوس افروزم). او خود را همچون نویسندگان و شاعران متعهد در مقام مترجم «متعهد» نام پای دیوارهای کاخ استبداد» می داند. به باور قاضی مترجم «در واقع به منزله کلیدی است که در گنجینه علم و معرفت ملت‌های متمدن و پیشرفته را به روی ملت عقب مانده خود» (قانعی فرد ۲۳۳) می گشاید. و او خلاصه می کند که مترجم کلید در گنجینه یا پنجره رو به باغ یا وسیله نقلیه‌ای است که ملتش را به مقصد رسانده است و البته این خدمت بزرگی است، «همان ۲۳۳). در پاسخ به خوزوئه دوکاسترو نویسنده‌ی کتاب *آدمها و خرچنگها* که از انگیزه قاضی در ترجمه این کتاب می پرسد قاضی می گوید که «ما اینجا نمی توانیم از بدبختیها و بی عدالتیهای رایج در کشورمان مستقیماً سخن بگوییم... ما در پناه شما حرفهای خودمان را می زنیم و در پناه نام شما هم از تعقیب و آزار مصون می مانیم... تا بتوان از زبان شما و امثال شما حرف زد چه لزومی دارد که از زبان خودمان بگوییم و برای خود دردسر درست بکنیم؟ (همان ۳۲۹-۳۳۰). به عبارت دیگر، «تنگناهای سیاسی نیز باعث می شوند برخی از آنچه در قالب آثار آفرینشی گفتنی نیست، به کمک ترجمه سخن و آثار دیگری یا دیگران گفته شود» (محمدی و امامی ۱۰).

شاید قاضی را بتوان جزء آن دسته از مترجمان «اخلاق‌گرا» به حساب آورد که «هیچ مسأله‌ای در توجه آنان بهتر جمه ایفای نقش نمی کرد، بلکه صرفاً علاقه به رشد جامعه و آگاهی بخشیدن به آن در آنان حرکت ایجاد می کرد» (احمدزاده ۳).

قاضی در یکی از مصاحبه‌هایش می گوید که در بین شصت و چهار کتابی که ترجمه کرده است «تقریباً همه دارای رسالت اجتماعی و فکری هستند و تعداد انگشت شماری... رسالت هنری و فرهنگی دارند» (قانعی فرد، ۱۹۷). به نظر می رسد که قاضی خود را بیشتر در نقش یک «روشنفکر سیاسی» می دید، چون به نوشته امیرفریار «مترجمان دوره رضا شاه بیشتر از فضلا و دانشگاہیان و پس از شهریو ۲۰ مترجمان اغلب از روشنفکران سیاسی

بودند» (۶۵). امیرفریار می‌نویسد که «ملاک برخی از مترجمان نام‌آور معاصر در انتخاب رمان برای ترجمه بیشتر ارزشهای اجتماعی اثر بوده تا ارزش ادبی آن» (۶۶) و قاضی یکی از این مترجمان بود.

به نظر می‌رسد که قاضی ترجمه فرهنگ‌ها را بیشتر از هر مسأله‌ی دیگری مد نظر داشته است. به نظر آوارز و ویدل «ترجمه صرفاً عبور از متنی و ورود به متنی دیگر نیست، یا انتقال واژگان از ظرفی به ظرف دیگر، بلکه ترجمه انتقال یک فرهنگ با گنجینه آن به درون فرهنگ دیگری است» (۵). در این صورت انتخاب‌های استراتژیک در سطح کلان و تکنیکها در سطح خرد توسط مترجم حاکم رفتار عامدانه‌ایست که، به نوبه‌ی خود، شاخصی برای ارزیابی تاریخ و محیط سیاسی- اجتماعی پیرامون مترجم می‌باشد (همان ۵). به باور هرمانس «از آنجاییکه ترجمه با ساختارهای اجتماعی و ایدئولوژیک عجین شده است، نمی‌توان آن را همچون فعالیت زبانی شفاف، بیطرف و معصومانه پنداشت» (ماندی ۹۵). در فرآیند ترجمه، مترجم دائماً در محاصره‌ی ایدئولوژی‌های گوناگونی است که هر یک به نوبه‌ی خود بر مترجم تأثیر می‌گذارند و او را خواسته یا ناخواسته به سمت راهبردهای ترجمه‌ای مشخصی سوق می‌دهند (الشهاری ۳).

قاضی در وهله‌ی اول محتوا و در وهله‌ی دوم فرم آثار و آنهم فرم آثار کلاسیک را مطلق نظر قرار می‌دهد. بدین ترتیب وی به دنبال تغییر فرم‌ها و گونه‌های ادبی نیست، بلکه بیشتر در پی تغییر ایده‌ها و اندیشه‌های خوانندگان ایرانی است. او با شاعران و نویسندگان نوپرداز که مطالبشان «گنگ و نامفهوم» (قانع‌فرد ۲۰۸) است احساس همدلی نمی‌کند؛ برعکس، با نویسندگان کلاسیک که «سبک نگارش روشن و مشخصی دارند» (همان ۲۰۶) و پیامشان به خوبی درک می‌شود و رسالتی دارند همدم می‌شود. در همین راستا گام اول قاضی در فرایند انتخاب نویسندگان و آثار آنان برای ترجمه داشتن حس «تفاهم» با نوسنده و اثر است، چه «مترجمی که با نویسنده تفاهم نداشته باشد، مترجم نیست» (همان ۱۸۷).

رویکرد تاریخی‌گرایانه: قاضی و دنیای پیرامونی او

در رویکرد تاریخی‌گرایانه به ترجمه هنجارهای «دقت» و «درستی» در چارچوب مقاطع فرهنگی خاص خود قرار می‌گیرند. مقوله نقادانه‌ای همچون «روانی» را می‌توان با ارجاع به گفتمان‌های فرهنگی و همچنین نظریه‌ها و شیوه‌های مشخص ترجمه که ترجمه در درون

آنها تولید می‌شود تعریف کرد (ونوتی، ناپیدا/یی ۳۹). آندره لفور می‌نویسد که «ترجمه در خلاء صورت نمی‌گیرد، بلکه مترجمان در فرهنگی خاص و دوره‌ی خاص فعالیت می‌کنند. فهم مترجمان از خودشان و فرهنگشان بر شیوه ترجمه آنها تاثیر می‌گذارد» (۱۴). به زعم فوکو علوم انسانی و اجتماعی رژیم‌های دانش و حقیقت را بنیان می‌نهند تا این رژیم‌ها نیز رویکرد ما را نسبت به خودمان، دیگران و محیط اطرافمان قاعده‌مند کنند (اندرسن ۳). اصول ترجمه مستثنی از گفتمان‌های رایج در حوزه علوم انسانی نیست. این گفتمان‌ها ترجمه مقبول و نامقبول را تعریف، تعیین و تحدید می‌کنند. ترجمه امری گفتمانی است که در گفتمان و بوسیله گفتمان تولید شده شکل می‌گیرد. بنابراین، اینکه قاضی ادبیات را تا حد زیادی آینه‌ی ملت‌ها می‌داند و می‌گوید که اگر فرهنگ و زبان متن مبدا «از نظر اصول اجتماعی و سیستم زندگی در سطح بالاتر و پیشرفته‌تری باشد»، ترجمه آثار آن ملت و فرهنگ پیشرفته «تاثیر مثبت» (قانع‌ی فرد ۱۸۳) خواهد داشت، در درون گفتمان‌های خاصی افاده معنا می‌کند. بنا به تعبیر آلوارز و ویدل که در راستای رویکرد گفتمانی است «هنجارهای اجتماعی به طور ویژه‌ای با ترجمه مرتبط می‌شوند چون این هنجارها نشان می‌دهند که چگونه فرهنگی و یا عناصر درون آن هم صادرات و هم واردات کالاهای فرهنگی را قاعده‌مند می‌کنند» (۷). اوتینین نیز می‌نویسد که «ترجمه همواره موضوع هنجارها و قدرت است و مترجمان نیز از زمانه و جامعه خود تاثیر می‌پذیرند» (۷۳). قاضی که در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ کار ترجمه را به صورت جدی آغاز نمود، و به معنایی، خمیر مایه رویکرد او به ادبیات داستانی و ماهیت و نقش آن تحت تاثیر نسل میانه (۱۳۳۲-۱۳۵۷ش) قرار گرفت. این نسل بین دو نقطه عطف تاریخی یعنی کودتای ۱۳۳۲ و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و بین دو گفتمان رایج آن دوره یعنی تجددگرایی و مردم‌گرایی تجربه‌اندوزی کرد (یاوری ۶۸). قاضی تحت تاثیر رویکردهای سیاسی - ادبی دوره‌های مورد اشاره قرار گرفت و ادبیات برای او عمدتاً در پیام یا پندها یا راهنمایی‌ها خلاصه شد و زبان همچون ابزار شفاف و رسانای معنا انگاشته می‌شد. تیموچکو و گنتزler می‌نویسند که مترجم محصول فرهنگ و بافت خاصی می‌باشد (بسننت ۲۳). قاضی راه زیادی را پیمود تا آثارش مقبول طبع خوانندگان، ناشران و منتقدین بیفتد، بدین منظور او مجبور بود تا از مدل خاصی در ترجمه و مفهوم «صحت و درستی» خاصی در انشای ترجمه در قالب زبان فارسی پیروی کند تا «مقبولیت اجتماعی» و حتی «تحسین» (هرمانس ۷) را

۶. برگرفته از تقسیم بندی حورا یاوری در مقاله «داستان بلند(رمان)» (۶۸)

برای خود به ارمغان آورد. قاضی تلاش می‌کرد تا جزیی از 'سرمایه اجتماعی'^۷ فرهنگ و زبان مقصد شود، این عضویت برای افراد جامعه که می‌خواهند به 'محافل مناسب'^۸ تعلق یابند ضروری است.

اوتنن نیز همچون ونوتی می‌پذیرد که ترجمه همیشه یا قدرت و هنجارها رابطه دارد (۷۳). با توجه به رسالت ترجمه و مترجم از نظر قاضی و انتخاب آثار عمدتاً سیاسی و اجتماعی توسط ایشان برای ترجمه، از یک طرف، و برای پرهیز از عواقب ناخوشایند مترتب بر چنین رویکردی به ترجمه، از طرف دیگر، قاضی دست به تمهیداتی میزند تا نقش خود را در محصول نهایی عرضه شده به بازار چاپ و نشر و عرصه عمومی کم رنگ جلوه دهد. از جمله این تمهیدات، گزینش استراتژی بومی سازی^۹ در ترجمه است که به زعم ونوتی بومی‌سازی در ترجمه رابطه‌ی تنگاتنگی با زمان، جامعه، هنجارها و قدرت دارد. بومی‌سازی متن ترجمه را در درون زبان و فرهنگ مقصد مستحیل و ادغام می‌کند (ونوتی ۲۰). وسواس دیگر قاضی در ترجمه «رعایت سلاست زبان ترجمه است» به طوری که وقتی خواننده فارسی زبان می‌خواند چنان راحت بخواند که تشخیص ندهد این اثر ترجمه است» (قانعی فرد ۱۹۹). روان بودن و سلاست ترجمه باعث می‌شود تا، به نوشته هرمانس، مترجم «ناپیدا»^{۱۰} شود؛ روان بودن و سلاست به مثابه یک استراتژی در ترجمه مترجم را به «گمنامی محتاطانه‌ای»^{۱۱} (ترجمه، ۹۹) می‌نشانند.

امانتداری در ترجمه شاید بنیادی‌ترین اصل در تکنیکهای قاضی در ترجمه باشد. در یکی از مصاحبه‌هایش می‌گوید که «ترجمه‌ی خوب به نظر من باید اولاً امین باشد، بدین معنی که مفهوم هر جمله‌ای را بی‌کم و کاست بیان کرده باشد» (قانعی فرد ۱۵۶). قاضی در گفتگویی دیگر «دقت در امانت» را «وظیفه اصلی» مترجم می‌داند؛ مهمتر آنکه این دقت در امانت باید با «روانی کلام» (همان ۲۱۹) توأم گردد.

اصول و فرضیات قاضی در مورد ترجمه در درون گفتمانهای رایج در مورد ترجمه قابل فهم است. رحیمیان فاصله‌ی بین سالهای ۱۳۲۰-۱۳۳۲ هجری - شمسی را دوره‌ی آرمانگرایی می‌نامد و می‌نویسد که در دوره‌های پیشین مترجمان به مقوله «امانتداری» چندان اعتنایی نداشتند و به «ترجمه آزاد» یا «ترجمه و تحریر» یا «ترجمه و اقتباس»

7. Cultural capital

8. Right circles

3. Domestication

4. Invisible

متمایل بودند، اما در این سالها امانتداری و وفاداری به متن اصلی و « غبیت مترجم» به عنوان اصول کار قرار میگیرد. «درستکاری» به عنوان «یک اصل اخلاقی – فرهنگی» و رعایت «اسلوب و حفظ سبک نویسنده متن اصلی در زبان مبدأ» مورد توجه قرار گرفت (۱۹۱). در مورد ترجمه و جایگاهش در زبان مقصد، قاضی بر این باور بود که ترجمه‌ی خوب ترجمه‌ای است که «خواننده فکر نمی‌کند ترجمه است بلکه گمان می‌کند که در اصل به همان فارسی نوشته شده است» (قانع‌ی فرد ۲۳۷) نوشته‌های مترجم، به باور قاضی، نباید «رنگ ترجمه» داشته باشد (همان ۱۲).

می‌توان به کمک شاخصهای ارائه شده توسط لارنس ونوتی شیوه قاضی در ترجمه و ارزیابی میزان موفقیت او در امر ترجمه از سوی خوانندگان و منتقدین را در چارچوب رویکرد سنتی به ترجمه دسته‌بندی کرد. این رویکرد قائل به وجود وحدت معنا بین متن مقصد و متن مبدأ، اهمیت ارتباط قابل فهم، شفاف و ارزش کاربردی ترجمه در فرهنگ و زبان مقصد می‌باشد (۲۴-۲۵). به باور برنستین «رژیم سلاست و روان بودن» حاکم بر حوزه ترجمه «مساله‌ی گزینش سبک‌شناختی نیست؛ بلکه مساله‌ی حاکمیت اجتماعی است» (۲۵۰).

در نگاه و اندیشه‌ی قاضی وظیفه بنیادین ترجمه هدایت اطلاعات و مفاهیم متعالی انسانی از زبان و فرهنگ زبان مبدأ به خوانندگان آثار ترجمه شده در زبان و فرهنگ عقب‌مانده‌تر^{۱۱} است. وقتی معیار ارزیابی ترجمه روان بودن و سلاست قرار گیرد، ترجمه به عمل ساده‌ی اطلاع‌رسانی و ابلاغ پیام تقلیل می‌یابد. همچنین بیان طبیعی و روان و روشن و رسا در ترجمه، ترجمه را به ارزشها و اولویتهای زبان و فرهنگ زبان مقصد نزدیک می‌کند؛ به نظر ونوتی، شفافیت ترجمه به خدمت انسان‌گرایی مسیحیت در آمده است (۲۲). روانی و طبیعی بودن ترجمه به این گمان دامن می‌زند که ترجمه همانا یافتن معادل معنایی درست و حقیقی است و نه تفسیری از زنجیره‌ی دال‌های زبان مبدأ.

استراتژیهای کلان و تکنیکهای خرد قاضی در ترجمه

اگرچه قاضی در مصاحبه‌ها و گفتگوهایش از جنبه‌های نظری و تئوریک ترجمه که ریشه در نظریه‌های نوین زبان‌شناسی، نظریه‌های ادبی، مطالعات فرهنگی و مطالعات ترجمه

۱۱. قاضی از تعبیر «ملتهای عقب مانده» در این مورد استفاده میکند (قانع‌ی فرد، ۲۳۱، ۲۳۲).

سخنی به میان نمی‌آورد، اما با بررسی توصیفی جنبه‌های عملی ترجمه‌های وی می‌توان به عوامل برون متنی و درون متنی دخیل در کار او اشاره نمود.

عوامل برون متنی کلان

۱. جهت‌گیریهای ایدئولوژیک مترجم (جهان‌بینی هستی‌شناسانه، معرفتی، سیاسی، ارزشها، باورها، خلاء وجود بعضی از آثار)
۲. محتوای و فرم اثر (قاضی صادقانه از دل‌بستگی به ادبیات کلاسیک و پیام - محور و فهمش از این آثار و عشق و علاقه و تسلط او بر این آثار سخن می‌راند).
۳. انتخاب اثر^{۱۲} (ذوق، هوشمندی و بصیرت)
۴. احساس قرابت جهان‌بینی - عقیدتی و عاطفی با نویسنده (انتقال روح اثر در کلیت آن: زبانی - سبکی، عقیدتی - فکری، عاطفی - احساسی، روحی - روانشناختی)
۵. مخاطب‌سنجی (برای چه کسی ترجمه می‌شود؛ مثلاً ادبیات کودکان، نیاز به ترجمه‌ای تازه با انشایی تازه)

عوامل درون متنی خرد

۱. عنوان اثر (برای قاضی ترجمه‌ی عنوان اثر همیشه یک دغدغه بوده است چراکه می‌خواست عنوان اثر گیرا و با مسمما باشد و در بیشتر موارد استراتژی بومی سازی را در عنوان اثر به کار گرفته است).
۲. سبک و لحن اثر در متن ترجمه شده (رعایت مفهوم جمله در کنار جنبه‌های نحوی، معناشناختی و منظور شناختی جملات، به گفته قاضی واژگان «درست»، «دقیق» و «خوش آهنگ» باشند) (قانعی فرد، دمی ۲۴۱).
۳. زبان متناسب با زبان متن اصلی (همان ۲۴۱) (ویژگیهای گفتمانی^{۱۳}، انسجام متن و شبکه‌های انسجامی^{۱۴} : نحوه ارتباط بین عناصر متن. برای نمونه می‌توان به ترجمه عبارت

۱۲. در این قسمت در پاره ای موارد از مقاله «معیارهای نقد و بررسی ترجمه آثار داستانی» (۳۰۵-۳۱۳) همراه با جرح و تعدیل استفاده شده است.

۱۳. در این زمینه می‌توان به نظریه هالیدی که برای متون سه ویژگی «زمینه گفتمان field of discourse»، «درونه گفتمان tenor of discourse» و «حالت گفتمان mode of discourse» (Hatim and Mason, 23) اشاره کرد.

14. cohesion

«نقش جبر» به «نیش قبر» اشاره کرد (گفتگو با قاضی ۹).

۴. کار «خلاقیت واژگانی»^{۱۵} و «معادل‌گزینی» در میان چند واژه یا عبارت مترادف در زبان فارسی و «دستکاری» نکردن نحو زبان فارسی تا حد ممکن (مثال: «پهلوان افسرده سیما» در ترجمه دون کیشوت). قاضی در نحو زبان فارسی نیازی به خلاقیت حس نکرده است و تلاش کرده است تا حد ممکن متن زبان مبدأ راهنمای کار او در ترجمه باشد (قانع‌فرد ۱۶۰).

۵. توانایی نحو زبان فارسی در ترجمه‌پذیری (غنا‌ی بالای زبان فارسی برای به «قالب در آوردن»^{۱۶} مفهوم زبان مبدأ) (این امر مرهون «غوطه‌ی»^{۱۷} زیاد خوردن «در ادبیات کهن و کلاسیک ایران)

نتیجه

برای پرهیز از تحمیل نظریه‌های معاصر در حوزه‌ی مطالعات ترجمه و جلوگیری از ارزیابی‌های انتقادی متعاقب‌زمان پریشی^{۱۸}، از روش تاریخگرایی فوکو و با بهره‌گیری از مفهوم گفتمان تلاش شد تا افکار و نگاه قاضی به ترجمه در مقاطع زمانی خاص خود قرار گیرد. پس از تحلیل داده‌ها، مشخص گردید از نگاه قاضی زبان ابزار و رسانه‌ای شفاف برای ارسال و انتقال اطلاعات و مفاهیم متعالی بشری است. بنابراین، معنای (صریح، ضمنی، بافتی...) واژگان و جملات را می‌توان صید کرد و در بافت و قالب زبان دیگری و در مکان و زمان دیگر بربخت. از نظر تئوریک، معیارهای حاکم بر ترجمه‌ی مطلوب از نگاه قاضی در حوزه زبانی عمدتاً حول مقولات «وفاداری»، «معادل‌یابی» و «شفافیت» «بومی‌سازی» قرار می‌گیرد.

استعاره‌ی مطلوب قاضی از ترجمه همان «پنجره» شفاف و روشن باز شده‌ی است

15. Lexical creativity

۱۶. در چند نوبت و به اقتضای مطلب قاضی از این اصطلاح بهره گرفته است (قانع‌فرد، دمی ۲۵۱).

۱۷. قاضی این عبارت را به نقل از نجف در یابندری درمورد تسلط خودش بر زبان و ادبیات کلاسیک فارسی ذکر می‌کند (قانع‌فرد ۱۶۱).

14 Anachronism: منظور اینست که ارزیابی روش و تکنیک‌های قاضی در مقاطع زمانی خاص قاضی و در چارچوب دانش و معرفت خاص آن دوره‌ها صورت گیرد، نه اینکه با ابزارها، روش‌های قاضی برویم.

که باید بدون هیچ لکه یا مانعی، امکان آشنایی و یادگیری مفاهیم انسانی موجود در فرهنگ و زبان برتر را برای خوانندگان زبان مقصد (زبان فارسی) به وجود آورد تا از رهگذر آن فضای سیاسی - اجتماعی بسته‌ی ایران‌ناز نسیم تازه‌ی آزادی و انسانیت شاداب شود.

بخش اعظم ترجمه‌های قاضی بر ترجمه‌ی رمان تمرکز پیدا کرده است. شاید همان طور که ریچارد رورتی به نقل از میلان کوندرا می‌نویسد «رمان ژانری است که عموماً به دموکراسی تعلق دارد، ژانری که با مبارزه برای آزادی و برابری گره خورده است» (رورتی ۶۷).

قاضی به اهمیت و نقش ترجمه در گفتگوی فرهنگها و سپهر اندیشه‌ها واقف بود و از ترجمه همچون استراتژی ترغیب در لباس تمثیل یا داستان پند آموز برای شکستن سانسور و سکوت بهره می‌گرفت. بنابراین برای قاضی ترجمه اصالتاً دارای کارکردی ایدئولوژیک و سیاسی بوده و امید داشته است که در تنویر افکار خوانندگان و ایجاد تغییرات لازم برای زندگی بهتر و آینده‌ای روشن‌تر نقشی بر لوح و ضمیر خوانندگان حک کند؛ به عبارت دیگر، طرحی نو برای نان و آزادی.

ارزش ثابت برای قاضی در معادله‌ی ترجمه و در سراسر دوران فعالیتش ماهیت محتوایی آثار و تمایل و تمرکز آنها بر ادبیات رهایی‌بخشی^{۱۹} و مقادیر متغیر در معادله‌ی فوق سبک، لحن، زبان، وفاداری، دقت، سلاست و مخاطب آثار می‌باشد که میزان موفقیت قاضی بنا به گفته‌ی خود او و ارزیابی محققین در همسازی این عوامل با یکدیگر از اثری تا اثر دیگر در نوسان بوده است.

برای قاضی ترجمه همچون بازی با قدرت از رهگذر بیان غیر مستقیم (Indirection) است. در این بازی، او غایب حاضراست؛ به عبارت دیگر، قاضی مترجم/ نویسنده است.

منابع

- ۱- احمد زاده، محمد امیر. "وضعیت ترجمه، کنشگران و ابعاد آن در دوره قاجار". تاریخ ایران. شماره ۵/۶۸، تابستان و پاییز ۱۳۹۰، ۱-۲۶.
- ۲- احمدی، محمدرحیم. "جنبه بوطیقای ترجمه نزد محمد قاضی". دو فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فرانسه، سال ششم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ۱-۱۹.
- ۳- امیر فریار، فرخ. "کارنامه ۱۵۰ ساله ما در ترجمه" در مجموعه مقالات نخستین همایش ترجمه ادبی در ایران. علی خزاعی فر. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۰، ۵۷-۷۲.
- ۴- خزاعی فر، علی، مازیار فریدی. "تک صدایی در ترجمه دن کیشوت". مجله مطالعات زبان و ترجمه (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، شماره اول، تابستان، ۱۳۸۹، ۱۳۸-۳۸.
- ۵- رشیدی، ناصر، شهین فرزانه. "ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا اثر مارک تواین بر اساس الگوی گارسس (۱۹۹۹)". دو فصلنامه زبان پژوهشی دانشگاه الزهراء. سال دوم، شماره ۳، پاییز و تابستان ۱۳۸۹، ۵۷-۱۰۸.
- ۶- رحیمیان، هرمز. ادوار نثر فارسی: از مشروطیت تا انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴، چاپ سوم.
- ۷- قاضی، محمد. "من فانوس افروزم" دمی با قاضی و ترجمه. عرفان قانعی فرد. سندیج: نشر ژیار، ۱۳۷۶.
- ۸- قانعی فرد، عرفان. دمی با قاضی و ترجمه. سندیج: نشر ژیار، ۱۳۷۶.
- ۹- گشمردی، محمود، المیرا رضانواز. "نقد بافتاری ترجمه‌های کتاب شازده کوچولو با تکیه بر زبان‌شناسی متن". دو فصلنامه زبان پژوهشی دانشگاه الزهراء. سال پنجم، شماره ۹، پاییز و تابستان ۱۳۹۲، ۱۷۴-۱۹۷.
- ۱۰- محمدی، ابراهیم و حسن امامی. "کارکردهای ترجمه در حوزه ادبیات ملل". مطالعات ترجمه. سال نهم، شماره سی و سوم، بهار ۱۳۹۰، ۷-۲۳.
- ۱۱- هاشمی میناباد، حسن، حمیدرضا دولت آبادی. "معیارهای نقد و بررسی ترجمه آثار داستانی" در مجموعه مقالات نخستین همایش ترجمه ادبی در ایران. علی خزاعی فر. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۰، ۳۰۴-۳۲۲.
- ۱۲- هولمز، جیمز، ایتامار اون زهر، هنس ورمیر، لارنس ونوتی. بازاندیشی ترجمه. ترجمه:

مزدک بلوری-کاوه بلوری. تهران، نشره قطره. ۱۳۹۰

۱۳- یآوری، حورا. «داستان بلند(رمان)» ترجمه، پیمان متین. ادبیات داستانی در ایران. دانشنامه ایرانیکا. ویراستار. احسان یارشاطر. تهران: امیرکبیر ۱۳۸۲، ۵۷-۹۲

- 14- Andersen, NielsAkerstrom. Discursive Analytical Strategies. Bristol: The Policy Press, 2003.
- 15- Alvarez, Roman and M. Carmen-Africa Vidal. "Introduction" Translation, Power, Subversion. UK: Clevedon, Multilingual Matters Ltd, 1996.
- 16- Bassnet, Susan. "Culture and Translation" A Companion to Translation Studies. PiotrKuhiwczak and Karin Littau. UK: Clevedon. Multilingual Matters Ltd. 2007. 13-24.
- 17- Bernstein, C. Content's Dream: Essays 1975-1984, Los Angeles: Sun & Moon. 1986.
- 18- Fulmer, Jacqueline, Folk Women and Indirection in Morrison, NíDhuibhne, Hurston, and Lavin. Hamshire: Ashgate Publishing Limited, 2007.
- 19- Green, Jonathon, Encyclopedia of Censorship. New ed. New York: Facts On File, 2005.
- 20- Hatim, Basil & Ian Mason. The Translator as Communicator. London: Routledge, 1997.
- 21- Hermans, Theo. "Translation, Ethics, Politics" The Routledge Companion To Translation Studies. ed. Jeremy Munday. London: Routledge, 2009. 93-105
- 22- ----- . "Norms and the Determination of Translation: A Theoretical Framework" Translation, Power , Subversion. Eds. Roman Alvarez and M. Carmen-Africa Vidal. UK: Clevedon, Multilingual Matters Ltd, 1996. 25-52.
- 23- Lefevere, André. Trans. and ed. Translation/History/Culture: A Sourcebook. London: Routledge, 1992.
- 24- Oittinen, Riitta. Translating for Children. New York, Garland Publishing, Inc, 2000.
- 25- Rorty, Richard. Essays on Heidegger and Others. New York: Cambridge University Press, 1991.
- 26- Schaffner, Christina. "Politics and Translation" A Companion to Translation Studies. Eds. PiotrKuhiwczak and Karin Littau. UK: Clevedon. Multilingual Matters Ltd. 2007. 134-148.
- 27- Venuti, Lawrence. The Translator's Invisibility: A History of Translation. London: Routledge, 1995.